

"سازمان نظارت بر حقوق بشر"

ایران: استفاده از شکنجه جهت سرکوب کردن دگراندیشان

(بروکسل: هفتم ژوئن ۲۰۰۴) "سازمان نظارت بر حقوق بشر" امروز با انتشار گزارشی اعلام کرد حکومت ایران شکنجه، دستگیری‌های خودسرانه و حبس منتقدین سیاسی را افزایش داده است. ماه گذشته مجلس اصلاح‌طلب ایران که دوره آن رو به اتمام بود قانون منع شکنجه را تصویب نمود. اما این قانون فاقد پشتوانه اجرایی لازم بوده و یک ژست توخالی بیش نیست.

این گزارش ۷۳ صفحه‌ای تحت عنوان "مثل مرده در قبر: شکنجه، حبس و فرونشاندن دگراندیشی در ایران" نخستین شرح جامع از برخورد با زندانیان سیاسی در زندان اوین تهران و سایر زندان‌های مخفی اطراف پایتخت می‌باشد که از سال ۲۰۰۰ (شروع مبارزه حکومت ایران با آزادی بیان) تاکنون منتشر شده است. "سازمان نظارت بر حقوق بشر" آزارهای سیستماتیک علیه زندانیان سیاسی از جمله دستگیری‌های خودسرانه، حبس‌های بدون محاکمه، شکنجه برای گرفتن اعتراف، حبس‌های انفرادی طویل‌المدت و آزارهای جسمی و روانی را بطور مستند در این گزارش درج کرده است.

بکارگیری چنین تکنیک‌های خشنی از سوی حکومت ایران موجب سکوت مخالفین سیاسی و نیز رسانه‌های مستقل شده است. حکومت ایران که طی چهار سال گذشته با فشارهای سیاسی فزاینده‌ای برای انجام اصلاحات مواجه بوده، مبارزات خود با مخالفین را تشدید نموده است. تا ماه ژوئن حکومت ایران بیشتر روزنامه‌های مستقل را تعطیل نمود. در این مدت برخی روزنامه‌نگاران و نویسندگان سرشناس و کلیدی از کشور گریخته، بسیاری از نویسندگان و فعالان برجسته زندانی شده و صدها تن از دانشجویان فعال برای خاتمه دادن به فعالیت‌های سیاسی صلح‌آمیز خود مرعوب شده‌اند.

سارا لی ویتسون مدیر اجرایی بخش خاورمیانه و شمال آفریقای "سازمان نظارت بر حقوق بشر" گفت: "این ادعاها که اصلاحات در ایران به شکنجه پایان داده است، صحت ندارند." وی افزود: "روزنامه‌نگاران، روشنفکران و فعالان بیش از همیشه از انتقاد کردن از حکومت در هراسند."

در حالیکه تعطیلی روزنامه‌ها در ایران توجه رسانه‌ها را به میزان زیادی به خود جلب نموده است، شرح آزار و اذیت روزنامه‌نگاران، روشنفکران و

معترضین دربند تاکنون بطور کامل بازگو نشده است.

این گزارش بطور مستند استفاده سیستماتیک حکومت از حبس‌های انفرادی طویل‌المدت بعنوان ابزاری برای شکستن اراده دگراندیشان و نیز شیوه‌ای برای گرفتن اعتراف‌های زوری را تشریح نموده است. افرادی نظیر نویسندگان و روزنامه‌نگاری که برای تهیه این گزارش مورد مصاحبه قرار گرفتند شرح بازجویی‌های خشونت‌آمیز که در آن با چشمان بسته و تهدیدهای جسمی مجبور به انکار و تغییر دیدگاه‌های سیاسی خود شدند را برای "سازمان نظارت بر حقوق بشر" بازگو کردند. زندانیان سابق وضعیت سلولهای انفرادی زیرزمینی را که در آن هفته‌ها و بدون تماس با فرد دیگری محبوس بودند تشریح کردند. آنها از سوی قضات تهدید شده بودند که در صورت عدم اعتراف برای مدت نامعلومی در حبس نگهداشته خواهند شد.

فعالان دانشجویی در گفتگو با "سازمان نظارت بر حقوق بشر" توضیحاتی درباره شکنجه‌های جسمی که لباس شخصی‌ها و نیروهای اطلاعاتی علیه آنها روا داشته بودند، ارائه دادند. این گزارش حاوی موارد متعددی از ضرب و شتم‌ها، حبس‌های طولانی در حالات بدنی نابهنجار (نظیر بستن دست‌ها به پاها)، لگزدن به محبوسین با چکمه‌های نظامی، آویزان کردن محبوسین از ناحیه پا و بازو و نیز تهدید به اعدام آنها در صورت عدم اعتراف می‌باشد.

این گزارش همچنین حاوی عملکرد سازمان‌های اطلاعاتی لباس‌شخصی‌ها می‌باشد که با قوه قضائیه همکاری کرده و مستقیماً مسئول حبس و شکنجه منتقدین حکومت می‌باشند. این سازمان‌ها اغلب بیرون از و یا بطور موازی با حکومت عمل کرده و مستقیماً به رهبر دینی ایران گزارش می‌دهند. محبوسین سابق، اعضای این "نیروهای موازی" را سربازان پیاده نظام در مبارزه علیه مخالفین و منتقدین می‌خوانند. این افراد تاکنون برای پاسخگویی به اقدامات خود فراخوانده نشده‌اند.

"سازمان نظارت بر حقوق بشر" در گزارش خود مشارکت قضات در اتاق‌های بازجویی را که اغلب در زندان‌های سری انجام می‌شود، تشریح نموده است. این قضات ناظر و مداخله‌کننده در بازجویی‌های خشونت‌آمیز از محبوسین بوده‌اند. قضات یاد شده از محبوسین خواسته‌اند که اعترافات دروغین را امضا نموده و حتی شخصا دست به تهدید آنها زده‌اند. برخی از مقام‌های قضایی بخصوص سعید مرتضوی که دادستان کل تهران می‌باشد وظیفه خود در قضاوت بیطرفانه را کنار نهاده و گفته می‌شود که شخصا دستور شکنجه محبوسین سیاسی را صادر کرده است.

برخی محبوسین سابق گفته‌اند که هرگاه خواستار داشتن وکیل مدافع بوده و یا پی‌گیر روند قانونی پرونده خود می‌شدند برخوردهای خشن‌تری با آنها صورت می‌گرفته است.

این گزارش از اتحادیه اروپا می‌خواهد به فشار خود بر ایران برای برداشتن گام‌های جدی‌تری در جهت خاتمه دادن به شکنجه و اعمال خشونت علیه محبوسین و نیز برقراری مجدد آزادی بیان در این کشور بیافزاید. نشست بعدی اتحادیه اروپا و ایران برای گفتگو در زمینه حقوق بشر در روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئن در تهران انجام خواهد شد. این مذاکرات که وارد سومین سال خود می‌شوند به نتایج ملموسی نرسیده‌اند. واقعیت این است که از هنگام آغاز این گفتگوها تاکنون وضعیت حقوق بشر در ایران به میزان قابل ملاحظه‌ای وخیم‌تر شده است.

ویتسون گفت: "واکنش ضعیف اتحادیه اروپا به ادامه نقض حقوق بشر در ایران عمیقا نگران کننده است." وی افزود: "زمان آن فرارسیده است که اتحادیه اروپا آزار و شکنجه در ایران را محکوم نموده و با تنظیم معیارهای روشن و طرح خواست‌های ملموس از حکومت این کشور بخواهد به این موارد جامه عمل بپوشاند."

"سازمان نظارت بر حقوق بشر" از حکومت ایران خواست کلیه زندانیان سیاسی را آزاد نموده و منع شکنجه را به سرعت و به نحو موثری به مرحله اجرا گذارد.

سابقه

مبارزه کنونی حکومت ایران با آزادی بیان پس از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معنوی ایران در آوریل سال ۲۰۰۰ آغاز شد. در این سخنرانی مطبوعات مستقل مورد حمله لفظی قرار گرفته و "پایگاه‌های دشمن" نامیده شدند. پس از آن در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ حکومت ایران توجه خود را معطوف سرکوب فعالان سیاسی نمود و در واکنش به اعتراضات دانشجویی در سراسر کشور هزاران نفر را دستگیر نمود. با ادامه تعطیلی روزنامه‌ها در ایران امکان انتشار عمومی موارد مربوط به خشونت و آزارهای حکومتی نیز محدودتر شد. افول سریع انتشار عمومی این گونه اطلاعات دست مقام‌های ایران را در اذیت و آزار مخالفین بازتر گذارد و حکومت نیز از عدم وجود نظارت عمومی بهره‌برداری کامل نمود.

اظهارات برخی محبوسین سابق

حسین ت. دانشجو و فعال سیاسی:

آنها دوبار مرا به محوطه زندان اوین که در آن اعدامها صورت می‌گیرد بردند. در مرتبه نخست دستهایم را بسته و چشمبندم را باز کردند. یکی از آنها گفت: "بگو چرا دروغ گفتی. بگو چه کارهایی کردی." مرا با پاهایم آویزان کردند و سرم را داخل کیسه‌ای کردند. ضربه‌ای به چانه‌ام زدند که در اثر آن پوست صورتم پاره شد و خون به راه افتاد. کیسه‌ای که روی سرم بود پر از خون شد بطوریکه قطرات خون روی زمین می‌ریخت. پس از آن بود که آنها دیگر ادامه ندادند.

در مرتبه دوم آنها مرا دوباره به آنجا برده و این بار از سر آویزان کردند. آنقدر با باتون به بدنم کوبیدند که دستم شکست و از هوش رفتم. وقتی دوباره به هوش آمدم گفتند: "اگر بگویی که دروغ گفتی ضرب و شتم را متوقف می‌کنیم." دیگر نمی‌توانستم سخن بگویم. اگر اعتراف نکردم به خاطر شجاعت نبود، بلکه دیگر توان سخن گفتن نداشتم.

مسعود ب. روزنامه نگار و نویسنده:

تحمل ساعات اولیه زندان انفرادی بسیار دشوار است. زیرا تو هرگز آنقدر در زندگی به دیوارها نزدیک نشده بوده‌ای. نمی‌خواهی بنشیننی زیرا در آنجا گچ است و تو به نشستن بر روی گچ عادت نداری. می‌ایستی. قدم می‌زنی. اما به تدریج سرت گیج می‌رود. بعد به دیواری تکیه می‌دهی. پس از سه چهار ساعت پاهایت خسته می‌شوند و سرانجام می‌نشینی. بعد فریاد می‌زنی و هیچ کس صدایت را نمی‌شنود.

چنین احساس می‌کنی که آنها تو را نگهداشته‌اند. در سلول انفرادی موها و ناخنهایت سریعتر رشد می‌کنند. خیلی از زندانیان می‌گویند انفرادی مثل "مرده در قبر" است. شنیده بودیم که ناخنهای مرده‌ها در قبر رشد می‌کند. اگر چیزی برای خواندن داشتیم عینکم را گرفته بودند. اگر عینک داشتیم، نور کافی برای مطالعه نداشتم.